

بیتاوند

قصه‌های الفبا

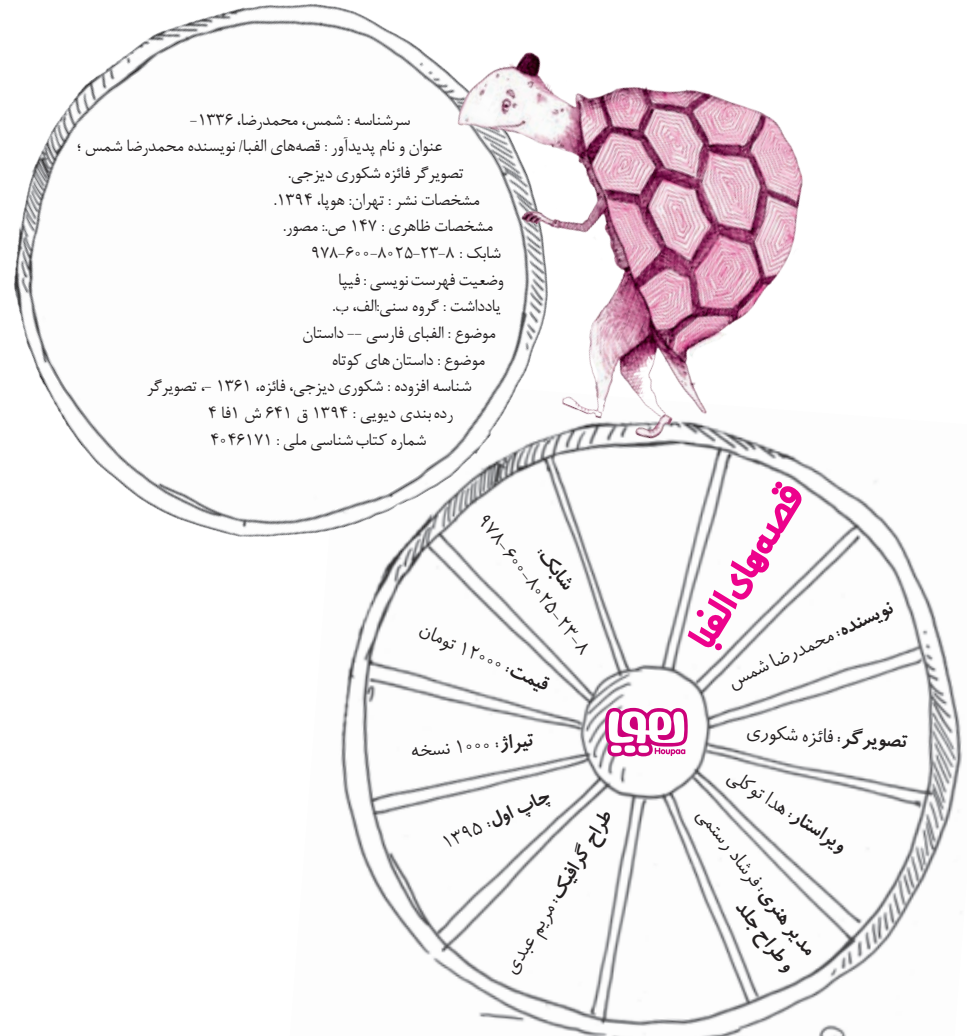
هوپا
Houpa



قصه‌های الفبا

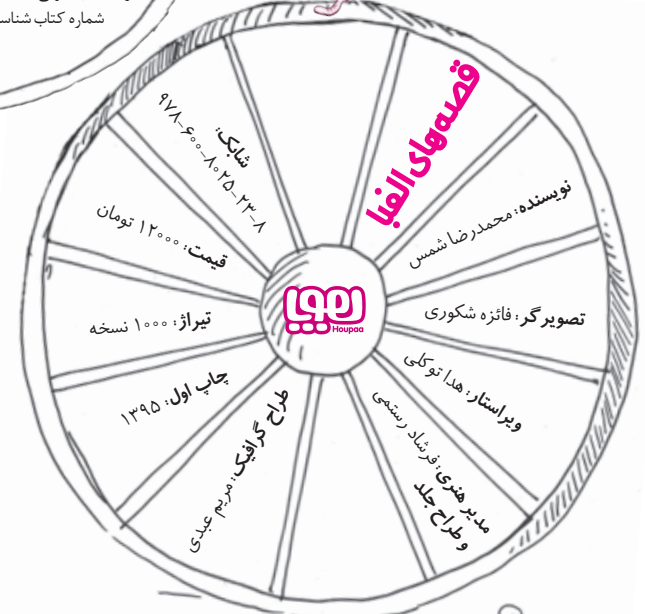
محمدرضا شمس

تصویرگر: فائزه شکوری



سرشناسه: شمس، محمدرضا، ۱۳۳۶-
 عنوان و نام پدیدآور: قصه‌های الفبا/ نویسنده محمدرضا شمس؛
 تصویرگر: فائزه شکوری دیزجی.
 مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۷ ص: مصور.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۲۳-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: گروه سنی: الف، ب.
 موضوع: الفبای فارسی -- داستان
 موضوع: داستان‌های کوتاه
 شناسه افزوده: شکوری دیزجی، فائزه، ۱۳۶۱ - تصویرگر
 رده بندی دیویی: ۱۳۹۴ ق ۶۴۱ ش ۴۱
 شماره کتاب شناسی ملی: ۴۰۴۶۱۷۱

قصه‌های الفبا



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه دوم الف
 پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی. صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵
 تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵ ••••• info@hoopa.ir - www.hoopa.ir
 • همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
 • استفاده از بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.



فہرست

| | |
|----|---------------|
| ۱۰ | آ جون |
| ۱۴ | ب کوچولو |
| ۱۸ | پ بی پیراھن |
| ۲۲ | ت بی نقطہ |
| ۲۶ | ث سہ نقطہ |
| ۳۰ | ج جادوگر |
| ۳۴ | چ و بچہ ہائش |
| ۳۸ | ح کلہ پا |
| ۴۲ | خ خاکی بی مزہ |
| ۴۶ | د ماھی دزد |
| ۵۰ | ذ یک چشم |

| | | | |
|-----|-----------------|----|-------------|
| ۵۴ | ر رقص | ۵۴ | ف بی کلاہ |
| ۵۸ | ز زغالی | ۵۸ | ق قرمزی |
| ۶۲ | ژ ژیک ژیکو | ۶۲ | ک و کوہ کچل |
| ۶۸ | س سوراخ | ۶۸ | گ شکمو |
| ۷۲ | ش بی شلوار | ۷۲ | ل خاک بہ سر |
| ۷۶ | ص ماھی گیر | ۷۶ | م کلہ گندہ |
| ۸۲ | ض و کلاہ جادویی | ۸۲ | ن سہ قلو |
| ۸۶ | ط دام دام دام | ۸۶ | و وزوزو |
| ۹۲ | ظ بی نقطہ | ۹۲ | ہ دوقلو |
| ۹۶ | ع شکم گندہ | ۹۶ | ی قایق |
| ۱۰۰ | غ یک چشم | | |



پیش دوستانش، اما مرغ‌ها نمی گذاشتند. هی قدقدقا می کردند
و از سر و کولش بالا می رفتند. مرغ‌های آ همه قرمز بودند. یا
برایش تخم می گذاشتند یا باهاش مرغ من روزی چندتا تخم
می گذارد بازی می کردند.

یک روز آ خیلی غصه خورد. مرغ‌ها پرسیدند: «آ جون! چرا
این قدر غصه می خوری؟»

آ گفت: «آخه چی کار کنم؟ دوست دارم برم مدرسه.»
مرغ‌ها قدقدقایی کردند و گفتند: «خُب برو. اینکه دیگه
غصه خوردن نداره.»

آ گفت: «چه جوری؟ نمی تونم. اگه برم، دوست‌هام هم مثل
من مریض می شنند، آبله‌مرغون می گیرند.»



آ آبله‌مرغان گرفته بود. تب داشت. مرغ‌هایش هی آب
می خواستند، هی دانه می خواستند. آ هم هی به‌شان آب و دانه
می داد.

یک روز گذشت. دو روز گذشت. آ دوست داشت برود مدرسه



بعد چنان آه سوزناکی از ته دل کشید، چنان آه سوزناکی از
ته دل کشید که دل مرغ‌ها برایش کباب شد. مرغ‌های قرمز
که دیدند این جوریه گفتند: «باشه، پس ما از پشت می‌ریم تا
تو بتونی بری مدرسه.»

بعد قدقدقا یکی‌یکی پریدند و از آنجا رفتند. آ خوب شد.
تبش پایین آمد. حالا دیگر آبله‌مرغان نداشت.
آ خوشحال کیف و کتابش را برداشت و بدو رفت مدرسه.

بدو. یهو یک گرگ جلویش سبز شد. گرگ گفت: «الان می‌خورمت.» و دنبالش کرد.

بز گفت: «نمی‌تونم.» و فرار کرد. این بدو، آن بدو. بالا بدو، پایین بدو. رسیدند به دوتا ک. پ پرید وسطشان و گفت: «بغل بغل! اتل و متل!» و شد کبک و پرواز کرد. رفت آن بالا بالاها. گرگ سرش را بالا کرد و هی الکی زوزه کشید. آن قدر زوزه کشید که خسته شد. پ کوچولو دلش سوخت پرید بغل ش، شد شب. به گرگ گفت: «بسه دیگه، شب شد، خسته شدی، بگیر بخواب.» گرگ خوابید. پ کوچولو هم برایش لالایی خواند.



یک پ کوچولو بود، بغلی. هر کس را می‌دید می‌گفت: «بغل بغل! اتل و متل!» و می‌پرید بغلش. یک روز ز را دید و گفت: «بغل بغل! اتل و متل!» و پرید بغلش. شد بز، رفت توی دشت و صحرا. این‌ور بدو، آن‌ور بدو. بالا بدو، پایین





نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، چرا که نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود. سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جایه‌جایی کتاب راحت‌تر می‌شود. و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درختی قطع نمی‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر